



محل اقامت
مجلس شورای ملی
شماره تلفن: ۲۰۴۴۸ و ۲۸۸۹۶ و ۲۸۸۹۴
روزنامه یومیه تک شماره ۳ ریال

بهای اشتراک
مذاکرات مجلس شورای ملی سالانه ۲۰۰ ریال
مذاکرات مجلس سنا ۲۰۰
آگهی ها ۶۰۰
مذاکرات مجلسین و آگهی ها ۹۰۰

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

سال یازدهم

شنبه ۲۳ خرداد ماه ۱۳۳۴

شماره ۴۰۱۲

شماره مسلسل ۱۲۹
دوره هجدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۲۹
صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه
۱۶ خرداد ماه ۱۳۳۴

فهرست مطالب

- ۱) تصویب صورت مجلس
 - ۲) بیانات قبل از دستور - آقایان خلعتبری - نراقی (ضمناً سؤالی تقدیم نمودند) و رضائی
 - ۳) تقدیم هشت فقره سؤال و تلگراف بوسیله آقایان دکتر مشیر فاطمی - نقابت - دکتر امیرنیر و مند - قنات آبادی - میراشرافی - بیراسته
 - ۴) مذاکره در گزارش کمیسیون قوانین دارائی راجع به اسالیب برارث از ماده ۱۷
 - ۵) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه
- مجلس دو ساعت پیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه پیش قرائت میشود (شرح زیر خوانده شد)
غائبین با اجازه آقایان: مسعودی - مرتضی حکمت - استخر - یار افشار - بزرگ ابراهیمی - صارمی - دکتر عمید امجد سالار - دهقان - سرمد - قوامی - صدوزاده - حائری زاده - عبدالرحمن - فرامرزی - محمود ذوالفقاری - مصطفی - ذوالفقاری - بهادری - مهندس شاهرخشاهی - کاشانیان - نصیری - تجدد - شادمان - یور - سر تیپ - اورنگ - دولتشاهی - دکتر پیرنیا - غائب بی اجازه: آقای خزینه علم - دیر آمدگان و زود رفتگان با اجازه

آقایان: کریمی - بیراسته - فرود - حمیدیه - اخوان - دکتر سعید حکمت - صدقی - فریداراکی - سالاربهزادی - سنندجی - خاکباز - تفضلی - عبدالحمید - پختیار - دکتر افشار - مهندس ظفر - مهدوی - عبدالصاحب صفائی - نقابت - تیمورتاش
رئیس - آقای دکتر شاهکار
دکتر شاهکار - بنده سؤالی در جلسه گذشته تقدیم کردم راجع به عدم اجرای احکام دادگاه عالی انتظامی قضات اینجا نوشته شده است دادگاه نظام بنده با دادگاه نظام کاری ندارم
رئیس - اصلاح میشود دیگر نظری نسبت به صورت مجلس نیست (اظهاری نشد)
صورت مجلس جلسه قبل تصویب شد

۲- بیانات قبل از دستور آقایان خلعتبری نراقی (ضمناً سؤالی تقدیم نمودند) و رضائی

رئیس - نطق های قبل از دستور شروع میشود. آقای خلعتبری - ارسال خلعتبری - عرایض امروز بنده راجع است بیک مسئله بسیار مهمی که در واقع میتوان گفت از مسائل فراموش شده است و آن مسئله کشاورزی است (صحیح است) عرض کنم اوقات ما در دولتها راجع بمسائل صرف میشود که بنظر بنده توجه بمسائل اساسی که در رأس آنها مسئله کشاورزی است این از اهم وظایف ما و دولت است عرض کنم امروز با دنیا باید جلو رفت ما همین سیستمی که تا امروز راجع به کشاورزی داشتیم اگر بخواهیم دنبال کنیم تا چند سال دیگر بکلی کشاورزی ما نابود خواهد شد (صحیح است) کشاورزی دنیا با این وسایل جاو برود و ما اینطور متوقف بمانیم امروز کشاورزی در دنیا سیستم اداره کردنش درست برخلاف سیستم ما است یعنی ما سیستم کشاورزیمان روی فرد است مالک باید از جیب خودش خرج کند کشاورز باید خودش برود قرض کند و خرج کند این مؤسسانه که دنیا امروز در اختیار کشاورزهای دنیا قرار داده آن در اختیار ما نیست امروز اداره کردن کشاورزی در دنیا بوسیله سرمایه و اعتبار است باید در دهات ایران هم صندوقهای روستائی تشکیل شود باید شرکت های تعاونی تشکیل شود و باید بانک کشاورزی سرمایه کافی در اختیار داشته باشد برای این نظر اجازه بفرمائید بنده اظهاراتم را هم که قطع دارم مورد تصدیق آقایان واقع خواهد شد و آقای وزیر مشاور هم که تشریف دارند خواهش میکنم که این مطالب را اگر دیدند که مورد علاقه همه آقایان است بدوات ابلاغ کنند و اجرا

کنند امروز اختلاف بین مردم یعنی مالک و زارع در کشور ما نیست مگر اینکه خودمان بی خود ایجاد کنیم اینکه عرض میکنم باید سیستم کشاورزی ما عوض شود جهتش چیست؟ جهتش این است که در آمد کشاورز زیادتر بشود امروز کشاورز با گاو و خروار در آمد بیشتر ندارد اما اگر تراکتور در اختیارش گذاشتید در آمدش میشود ۳۰ خروار امروز باید بزراع و خورده مالک و مالک بزرگ کمک کرد پول داد سرمایه داد که املاک را آباد کنند قنات درست بکنند سدهای کوچک بسازند معطل نمانند امروز کمکی که بکشاورزهای مملکت میشود آن کمک از طریق مالکین است اگر این کمک را بگیرد نصفشان از گرسنگی سال اول میبرند چون هیچ مؤسسه ای نیست که بکشاورز کمک بدهد از آن طرف کشاورز نصف بیشتر در آمدش برای پول قرض کردن از دستش میرود برای اینکه باید پول را در ظرف سه ماه تومان تومان قرض بکنند و محصول خودش را به ننگ قیمت بفروشد بنا بر این جهت است که کشاورزهای ما همیشه فقیر و بیچاره و بی استطاعت هستند حالا یک پروژه - هائی شروع شده اجازه بفرمائید آقای وزیر مشاور یک پروژه هائی در مملکت شروع شده این پروژه مثلا ساختن سد کرج است بنده در دست طهران یک مقاله ای نوشتم که سد کرج ساختنش یا نصف میلیون تومان تمام میشود ما هم نیکو کنیم لازم نیست غیر لازم است سد کرج ساختنش لازم است ساختن سدهای دیگر هم لازم است اما این نقشه باید توأم با یک نقشه دیگری باشد یعنی اعتبار و پول و سرمایه را باید در اختیار کشاورزان ایران قرارداد یعنی کرمان و بلوچستان و شیراز و اصفهان و همدان و ساری و گیلان و مازندران و خراسان و بند عباس

هون مذاکرات مشروح یکمید و تعیین جلسه از دور هجدهم قانونگذاری

و پشتیبانی ما هست باید کمک بکنیم آقایان
پهردولتی که در این مملکت هست باید
کمک کرد مانع هم نباید تراشید دولت حق
ندارد که وقت مملکت را تلف کند دولت
حق ندارد عقب کاری برود که مشغول
کننده و سرگرم کننده باشد و نتیجه نداشته
باشد برنامه کار بر نامشیت است که این مردم
را قانع خواهد کرد. (احسن)

رئیس - آقای نراقی

نراقی - بسم الله الرحمن الرحیم
موضوعی که میخواستم عرض کنم و بپوشی
را که بنده آغاز بکنم ملازمه داشت با
اینکه اول بنام خداوند مهربان آغاز بشود
پس از قرون متداری تجربه و تفکر
از جانب حکما و سیاستمداران مسلم گردیده
است که بهترین نوع حکومت، حکومت
دموکراسی میباشد که نوع مشروطه سلطنتی
آزاد انبساط و اصلاح برای خود تشخیص
نمودیم در نیم قرن پیش پدران ما برای
تحصیل حکومت مشروطه فداکاریها و
مجاهدتهای صادفانه نمودند و موفق شدند
رژیم حکومت مشروطه را در مملکت
مستقر سازند و قانون اساسی را تدوین
کنند و مجلس شورای ملی را تأسیس و دایر
نمایند.

اینک این مجلس و این قانون اساسی
را استقرار رژیم مشروطه خوبهای آن
فداکاریها و مجاهدات صادقانه و بی ریا
است که مجاهدین صدر مشروطیت نمودند
و مقصود غائی آنها این بود که نمایندگان
ملت در سرنوشت مردم نظارت داشته و
حقوق آنها حفظ کنند و عدالت از طریق
اجرای قانون بشاری بین مردم اجراء
شود و قوه مجریه کشور را مجلس دلال
و هدایت کند که بدان مقصود غائی دسترس
پیدا شود.

مسلم است که هر نوع کار از نظر
قواعد علمی یا فنی اسباب و ابزار مخصوص
بهدود لازم دارد و این امر همانطوریکه
در امور مادی و عملی لازم الراعیه است در
مسائل معنوی و نظری هم که در مقابل
اجراء و عمل در میساید لازم الراعیه
میشود.

حکومت مشروطه هم اسباب و ابزار
یا عوامل مناسب وجود خود را لازم دارد
و این اسباب و ابزار هر چه کاملتر باشد
حصول مقصود یا قایت مطلوب از حکومت
مشروطه در شناختن مردم از نتایج و ثمرات
آن بیشتر برخوردار خواهند شد. با کمال
تأسف باید اعتراف کرد که ما با داشتن
حکومت مشروطه و قانون اساسی اسباب
لوازم اینکار را بطور کامل نداریم. مثلا
یکی از لوازم حتی داشتن حکومت
مشروطه حزب یا احزاب سیاسی است که
در اجتماع ما یا نگرته و آنچه گرفته
سرما متلاشی شده یا اینکه سایه دست
خارجی بر سر آن بوده و آیدای خارجی

آزاد برای مقاصد پلید و خائنانه خود دایر
کرده بود مثلا انجمنهای ایالتی و ولایتی
درین نیست یا حد اقل انجمنهای مستقل
بلدی نداریم. اینها که از عوامل یا اسباب
و ابزار حکومت مشروطه میباشد هر یک
در حکم مدرسه یا باصلاح مکتبی برای
ترتیب اجتماعی و سیاسی افراد میباشد و
سبب میشود که افراد در این مجامع استعداد
شان بمرض آزمایش در آید آنها که مستعد
هستند و جوهر کار در نهادشان مخبر است
در زنده و آماده برای کارهای اجتماعی و
سیاسی بشوند و بر سر آموخته و مانوس
بیروی از اصول و نظارت و احترام بحکم
قانون گردند و از آن مکتبها بقدر استعداد
ولایت خود باین مقام ارجمند که مقام
نمایندگی ملت است وارد شوند و چون
از آن مکتبها باین مکتب بزرگ سیاسی
وارد شدند بقواسته ها و تمینات مردم و
احتیاجات اجتماع بیشتر و قوی دارند ولی
ما متأسفانه اینوسائل را نداریم. و از
عوامل مشروطیت قانون اساسی مجلس
شورای ملی و مجلس سنا و قوه قضائیه و
مجریه هست.

پس انقلابی آنچه را داریم در تقویت
میانی آن کوشا باشیم درین آنچه از مظاهر
مشروطیت داریم یکی هم مجلس مقدس
شورای ملی است که مهمترین مظاهر آن
بشمار میرود.

مجلس شورای ملی در اوان استقرار
مشروطیت آقدر در قلوب مردم محل تکریم و
احترام بود که چون از برای این عمارت عبور
میکردند سربسکریم فرود می آوردند و این مکان
مقدس را مهبط آرزوها و آرمانهای ملی
خویش میدانستند. نطقهای پرشوری که
در این مکان مقدس شده مقاومتی بینظیری
که در مواقع خطری در مقابل دسایس
خارجیان بعمل آمده همه نشان میدهند که
مجلس مقدس شورای ملی همیشه حافظ
استقلال ایران و حامی دیشیمان منافع ایران
بوده و هست و خواهد بود.

آقایان نمایندگان محترم بنده نمی-
خواهم در خصوص اهمیت این مجلس ملی
و مقام رفیع نمایندگی اطاله کلام نمایم
همینقدر خواستم توجه دم که بیش از پیش
باهمیت مجلس شورای ملی و نقش عمده
و اولیای که در تصمیمات و مصوبات این مجمع
بزرگ قانونگزاری و تسریع در سرنوشت
مردم و مملکت دارد تأمل و تفکر نمایم و
در این دوره که بعمده الله والتمنه تحت توجهات
و رهبری اعلیحضرت همایون شاهنشاه
شهریار دانشمند و دموکرات و ترقیخواه
و حسن تدبیر و ولایت حکومت گذشته امنیت
و آرامشی مستمر گردیده و دامنه آن بشام
اتجاه مختلفه کشور بسط و توسعه یافته است
بشعاع و یک کار اساسی انجام دهیم و این
کار اساسی بنظر تمام آزادگان این

کشور تجدید نظر کامل در قانون انتخابات
عمومی است.
از طریق قانون انتخابات عمومی
میتوان تاحد قابل توجهی جریان فقدان
وسایل و عواملیکه کفتم برای حکومت
مشروطه لازم است نمود باین معنی که
نهی یک قانون انتخابات جامع و مانع
میتوان نمایندگان گانیکه انتخاب آنها از جانب
مردم و دور از مداخلات عالی قوه مجریه
یا صاحبان زور و قدرت باشد باین مکان
مقدس راه پیدا کند البته این امر باید در
وحله اول از اینجا شروع شود که آیا همگی
اتفاق نظر در این باب داریم که قانون
انتخابات فعلی ناقص است و معایبی دارد
یا نه؟ آیا بوسیله این قانون میتوان همه
اقل رقع شبهه از انتخاب بکنندگان و
نامزدان انتخاباتی نمود که دولتها یکی از
عوامل مؤثر در کار انتخابات نیستند؟ یا نه؟
و آیا بواسطه این قانون حقیقه هم موکل
و هم وکیل هر دو رضای از مکرر انتخابات
بیرون میآیند یا نه؟ اگر ما همگی در
این امر اتفاق نظر حاصل کردیم که این
قانون انتخابات برای این دوره از زمان
خوب نیست و در هر دوره که به اجراء
گذاشته شده ماهها وقت دولت و مجلس و
مقامات عالی و مصادر مهم قضائی را مشغول
شکایات مردم کرده و چه تلگرافها و تحصنها
و چه تبلیغات مضره غلبه دستگاه حاکمه و
قوه مجریه که در هر دوره انتخابات نشد.
است (البته غرضم دورههای بعد از شهر یود
۱۳۲۰ میباشد) مخصوصاً دوره هفدهم که
چه خونها ریخته نشد و چه مصائب و
ضایعاتیکه بیاز نماید و سرانجامهم انتخابات
انجام و مجلسی با مضطرب نیم بند درست
شد که آقایان همگی از جریان احوال با
خبر هستند و عجب است که این طرز
انتخابات در دوره ۱۷ اولاً با داعیه اینکه
انتخابات آزاد است صورت گرفت و در
ثانی مجری مقررات قانون انتخابات خود
معتقد باین قانون نبود بدلیل اینکه برنامه
دولت او اصلاح قانون انتخابات بود که
مع التأسف عمل نشد و بزرگترین فرصتی
که برای اصلاح قانون انتخابات بود از
دست رفت زیرا با وضیمکه دولت وقت
داشت نمیتوانست بدون مقاومت کسانیکه
از این قانون بهره میبردند قانون را
اصلاح کند.

روشنفکران و هلاقمندان به اصلاح امور
کشور تجدید نظر کامل در قانون انتخابات
عمومی است.
از طریق قانون انتخابات عمومی
میتوان تاحد قابل توجهی جریان فقدان
وسایل و عواملیکه کفتم برای حکومت
مشروطه لازم است نمود باین معنی که
نهی یک قانون انتخابات جامع و مانع
میتوان نمایندگان گانیکه انتخاب آنها از جانب
مردم و دور از مداخلات عالی قوه مجریه
یا صاحبان زور و قدرت باشد باین مکان
مقدس راه پیدا کند البته این امر باید در
وحله اول از اینجا شروع شود که آیا همگی
اتفاق نظر در این باب داریم که قانون
انتخابات فعلی ناقص است و معایبی دارد
یا نه؟ آیا بوسیله این قانون میتوان همه
اقل رقع شبهه از انتخاب بکنندگان و
نامزدان انتخاباتی نمود که دولتها یکی از
عوامل مؤثر در کار انتخابات نیستند؟ یا نه؟
و آیا بواسطه این قانون حقیقه هم موکل
و هم وکیل هر دو رضای از مکرر انتخابات
بیرون میآیند یا نه؟ اگر ما همگی در
این امر اتفاق نظر حاصل کردیم که این
قانون انتخابات برای این دوره از زمان
خوب نیست و در هر دوره که به اجراء
گذاشته شده ماهها وقت دولت و مجلس و
مقامات عالی و مصادر مهم قضائی را مشغول
شکایات مردم کرده و چه تلگرافها و تحصنها
و چه تبلیغات مضره غلبه دستگاه حاکمه و
قوه مجریه که در هر دوره انتخابات نشد.
است (البته غرضم دورههای بعد از شهر یود
۱۳۲۰ میباشد) مخصوصاً دوره هفدهم که
چه خونها ریخته نشد و چه مصائب و
ضایعاتیکه بیاز نماید و سرانجامهم انتخابات
انجام و مجلسی با مضطرب نیم بند درست
شد که آقایان همگی از جریان احوال با
خبر هستند و عجب است که این طرز
انتخابات در دوره ۱۷ اولاً با داعیه اینکه
انتخابات آزاد است صورت گرفت و در
ثانی مجری مقررات قانون انتخابات خود
معتقد باین قانون نبود بدلیل اینکه برنامه
دولت او اصلاح قانون انتخابات بود که
مع التأسف عمل نشد و بزرگترین فرصتی
که برای اصلاح قانون انتخابات بود از
دست رفت زیرا با وضیمکه دولت وقت
داشت نمیتوانست بدون مقاومت کسانیکه
از این قانون بهره میبردند قانون را
اصلاح کند.

اصل داشتن اکثریت آراء بطور مطلق
فلا در مقام سنجش و قیاس دوره ای با
دوره دیگر نیست همینقدر خواستم توجه
دم که معایب و نواقص قانون است که موجب
شکایت و تحسین و تشنج و قال و مقال میگردد
و بلاشک قبه آقایان میدانند که طبقه رشید
و مطلع ایرانی این قانون را ناقص و دارای
معایب بسیار میدانند پس وقتی در این امر
موافقت کردیم که حتماً و قطعاً باید قانون
انتخابات اصلاح شود آنوقت وارد در میانه

موضوع تعداد نمایندگان نیز باید متناسب
پاجمیت فعلی مملکت افزایش یابد
دیگر مدت اخذ آراء و قرائت
آراء است و فصل و انفصالیاتیکه در قوایل
آن مدت رخ میدهد در این موارد نظریات
مختلفه وجود دارد که بقیده بنده باید
آنهارا بررسی کرد و نظر جامعی که اقرب
بصلاح مملکت و موافق با اصول باشد اتخاذ
نمود
یکی دیگر یعنی مهتر ازمه آراء شهرها
و ده نشینان است که تقریباً در کلیه حوزههای
انتخابی (باستثنای تهران) آراء ده نشینان
آراء شهرها را مستهلک مینمایند و حقوق شهر
نشینان در آراء ده نشینان مستحیل میگردد
این یکی از نکات بسیار مهم قضیه است
(پودر سرب - ولی با اینحال آنها از شهرها
معمورترند) و بنایه موضوع را با آراء باسواد
ها و بیسوادها مخلوط کرد و این دو موضوع
با هم فرق دارد و بنظر من هر گاه بخواهیم
موضوع باسواد و بیسواد را تفکیک کنیم
این رشته سرد را زبیدا میکند و از وصول به
مقصود دور میماند و چه بسا نقض غرض هم
بسیار آید ولی هر گاه ترتیبی داده شود که
برای شهر نشینان حدودی و برای ده نشینان
حدود مشخص دیگری تعیین و ترسیم گردد
که هر دسته در حدود خود نماینده خویش را
برگزینند انبساط خواهد بود والا در شرایط
فعلی قانون برض هم مداخله مأمورین انتظامی
و فرماندارها برای انتخاب شدن گانی است که
چند مالک همده تصمصیم گیرند و بیکه خدایان
فراء خود دستور دهند که آراء نوشته شده
را بنام زید و عمر بن دست درها بدارند و بفرستند
به زمین دلیل شهرها و طبقات روشنفکر و
تحصیل کرده در انتخابات شرکت نمیکند
مگر بنسبت بسیار قابل و ناچیز

بنده اشاره باینکه انتخابات حوزه انتخابی
خود میکنم از مجموع ۲۸ هزار رأی مأخوذه
بیش از سی هزار در قراء داده شده که البته
بنده ممنون مالکین محترم خواهم بود از
هشت هزار رأی شهری هم با زور حد و نصف
آن از دهات اطراف شهاد داده شده که
کیفیت آن با اولی مختصر تفاوتی داشته و
فقط اهالی شهر نشین در حدود ۴ هزار رأی
داده اند و این بهترین دوره بوده است که شهر نشین
رأی داده زبرا شهر نشینان چنانچه عرض شد
با اطمینان باینکه آراء آنها در آراء ده نشینان
مستحیل است و سرنوشت حقیقی انتخابات
را آنها تعیین میکنند و غیبت بیشتر در انتخابات
نشان نمیدهند آنچه معروض گردید کابانی
است که بنظر من رسیدند کار آنها مفید باشد
در صورتیکه (قبول افتد و در نظر آید) فنیستی
است که از این مجمع مقدس ملی نصیب
گردید و خدمتی است که در راه استحکام
مبانی حقوق حقه مردم انجام شده و چه لازم
است که من توضیح دم که مجلس شورای ملی
گذشته از اینکه هیئت منته کشور و مرکز
تقریباً مملکت است و یک هیئت بزرگ

مهم دیگری دارا است که باید بدان
توجه شود آن اینست که مکتب سیاست و ادب
و اجتماع است مکتبی است که مردم ناظر بدان
میشاند که هر روز درسی در باب حریت فرا
گیرند و درسی از تربیت اجتنامی بمفکری
اشتراک مساعی، معاونت عمومی مخصوصاً
از خود گذشته کی و پشت باز در بنایه خصوصی
در مقابل منافع اجتماعی با آنها تلقین گردد
خلاصه درسی از اعتقاد و ایمان با اصول و
مبادی مقدس که پدران ما خون پاک خویش
را در راه استقرار آن پیدریخ نثار کرده و
این میراث مقدس را بدست ماسیر درند آقایان
هیچ تحول و اصلاحی امکان ندارد صورت
یابد مگر کرد مکر اینصحنه پیشروان و رهبران
ایمان و عقیده قوی و بی شائبه نسبت با اصول
و مبادی آن داشته باشند و عقیده و با استعداد
صمیم است که اراده هارا بر میانگیرند و با
برانگیخته شدن اراده کارهای بزرگ انجام
میشود.

آقایان محترم نمایندگان بیائید در
این راه مهم یعنی اصلاح قانون انتخابات و
رفع معایب و نواقص بسایک اراده قوی قومی
اساسی و محکم که متضمن تأمین بیشتر و
کاملتر حقوق حقه مردم است برداریم تا
افتخاری برای دوره بعدیم ثبت تاریخ گردد
بنده عرض خود را خاتمه میدهم و برای
اینکه این موضوع مهم فقط بانطق بر گزار
نشود سوآلی هم از وزارت کشور کرده ام که
تقدیم مقام محترم ریاست میکند (صدفی -
قوانین انتخابات را هم پیشنهاد میگردید
قریان)

رئیس - آقای رضائی
رضائی - هر کس که مسئولیتی بر
عهده گرفت و زبان بشعرب اعمال خود
گشود، خویش را با بیانی مردم پسنده و
گفتاری ظاهر قریب خدمتگزار صدیق
جامه معرفی کرد. تربیون مجلس با زبان
حال مبین این معنی است و کمتر کسی است
که در پشت آن فراد گرفته باشد و زبان
اعمال گذشته خود را بزبان آورده باشد
همه خود را خادم ملت ایران دانسته
و همه اعمال خود را در راه خیر و صلاح مردم
ایران بر شمرده اند

اگر واقماً زمامداران مسئول و نظار
اعمال آنها که در طی چهل و اند سال مشروطیت
خدمات کاذبه گذشته خود را با بیانی گویا از
پشت تربیون مجلس سرخ ملت ایران
کشیدند، حقیقه خدمتگزار جامعه بودند،
هیچگاه همین مزینا در قراقب قرو به بعضی
گرفتار نمی بود، و مردم زحمتکش این سر
زمین زرخیز از همه مظاهر تمدن صنعتی
معروم نمی ماند و در آتش حرمان نیسوخت
ما معتقدیم که دولت ها و نمایندگان مجلس
ها جلگی در ایجاد مصائب و ابتلائات امروزی
ملت ایران مسئول میباشدند (صحیح است)
اینکه بی بنیاد مردم نسبت باین دستگاه
ها سوخته بودند بوده اند و خود همین حقیقت
نایع بار است

سختان ساخته و پرداخته آن کسی که
از حاصل دسترنج روزانه طووفان تیشی
بر میگردد و با بنظر نور تأمین رفاه زندگانی
خویش راه تمدی قصابان را هموار میکند
هرگز در دل داغدار مردم ایران اثر
نمی بخشد بلکه بنش و کینه آنها را بر علیه
خویش برانگیخته میسازد
بیش از آنکه بکار این دولت بپردازم
و حقایق چند در این باره اظهار به ادم از
تد کار این حقیقت تلخ خود داری نمیتوانم
کرد و آن اینکه هلل روی کار آمدن هر
دولت هانهاست که موجب سقوط دولت
گذشته گردیده است، و برنامه های دولت
های تازه جبران نقاط ضعف دولت های
گذشته میباشد

دولت جدید از آن نظر مبارزه با فساد
را نصب العین خویش قرارداد که ملت ایران
از ترویج و شیاع آن در دولت گذشته بستره
آمده بود.
هنوز دوام از هر این دولت نگذشته
است که در صحنه مجلید معدودی از
نمایندگان زبان به ملامت و شمانت گشوده اند
و اعمال دولت را بیاد ایراد گرفته اند.
بالعجب چگونه دولتی میتواند در
مدت کوتاه دوام معایب فراوانی را که
معلول اعمال مسئولین گذشته است بر طرف
سازد
و با وجود ایادی آنها که همچون
سرطانی در تمام شئون جامعه ریش دوانیده اند
قدیمی در راه خیر و صلاح مردم بردارد
بزرگترین و مؤثرترین اثر اولیه وجود
این دولت که بنظر ما طبیعی نیز مینماید
قطع ایادی ناپاکان و تشویق پاکان گوشه
نشین است.

چه خدمتی از این بزرگتر که در
همین دو ماهه اول حکومت هر روز مابانی
هنگفت از بیست المال مردم به بقا نیورد و
از هر جلسه هیئت دولت تصویب نامه هائی
بسود برخی اشخاص معین و بزبان مملکت
صادر نمیکردند (صحیح است)
باید اذعان کرد که تنظیم و تقدیم لایحه
مربوط به اراضی موات از طرف دولت
علاوه بر جلوگیری از تصرف غاصبان زمین
های بلا مالک متعلق به ملت از طرف معدودی
سود جویان خویشتر برست (صحیح است)
تأثیر محسوس نیز در تنزل هزینه مسکن
خواهد داشت (صحیح است) و گام مؤثری
در تعدیل هزینه زندگی و کم کردن فشار
زندگی بر طبقات محروم کشور بشمار میرود
(صحیح است) (پودر بود - بشرط اینکه مالیات
را بگیرند)
آیا جلوگیری از پرداخت حق الحکمی
ها و خرید کامیون ها خود خدمت بشمار
نمیرود
باید اترتال کرد که دولت حاضر از
بدو زمامداری اجازه نداده است دیگر
کسانی با بندوبست با گرفتن حق السکوت
اعانه کنند و بهار زندگانی ننگین و

هزینه معاضل هبش و مشرت خویش را از
این مر تأمین نمایند و شک نیست که قطع
در یافت مقرری ها و حق السکوت ها فریاد
بعضی را به آسمان میرساند
ما متکر این معنی نیستیم که دولت
حاضر هنوز نتوانسته است افق کلام روشنی
دویش چشمان نگران اصلاح طلبان را قسی
ایران بنمایاند و بارقه امیدی در آسمان آینه
ایران پدید آورد.
واما... گذشته روشن و شخصیت
بی شائبه اغلب وزرای فعلی این نوید را بنا
میدهد که با فساد بنجام منای کلمه مبارزهای
آغاز خواهد شد که وطن خواهان از جان
گذشته باید دنبال آنها بگیرند و آنها را بشیر
برسانند.

ما از امضاء دولت فعلی جداً انتظار
داریم که هلی رقم کارشکنی ها و ایرادات
برخی سود جویان خویشتر برست آینه
خویش را بخاطر اندازند و در راه بهبود
زندگانی مردم محروم و ایجاد کارهای عاب
النفعه و تأسیسات تولیدی قدم های مؤثری
بردارند.
آقایان که در گذشته سعادت خویش را
ببهای بدبختی مردم مفکوک تأمین میکردند
و امروز با وجود دولت فعلی منافع مادی و
معنوی نامشروع خود را در خطر می بینند و
بهین سبب در مقام مبارزه با خواسته های
مردم برخاسته اند باید بدانند که آن سبب
بشکست و آن بیبانه ریخت
عبدالصاحب صفائی - ولی بعضیها
میگویند که آن سبب روی دوش جناب صفائی
آمده، مگر با این حرفها میشود جلو انتقاد
را بگیرد. این حرفها چیست؟ این تلقها
معنی ندارد

رئیس - آقای صفائی...
عبدالصاحب صفائی - آخر این
تلقها یعنی چه؟
رئیس - بشمار مربوط نیست
عبدالصاحب صفائی - پس به کی
مربوط است این تلقها یعنی چه، میگوید
سبب شکست، سبب پیش دیگران رفته آقای
رضائی. اگر کسی تذکری بدولت
داد که نباید این حرفها را زد. سبب شکست
چیست؟ روی دوش دیگران رفته است این
حرفها توهمین به مجلس است. اگر کسی سوه
استفاده کرده اسم ببرید
رئیس - آقای صفائی بشما مربوط
نیست. بشما تذکر میدهم ساکت باشید.
بفرمائید آقای رضائی
رضائی - اگر روز کاری طایفانی...
یک نفر از نمایندگان - اینها مربوط
بشارح است
عبدالصاحب صفائی - مال خارج
است پرده بیرون بخوانند اینها به مجلس
مربوط نیست هر کس سوه استفاده کرده
اسم ببرید
نراقی - بدون شناخت این تره و

عبدالصاحب صفائی - مال خارج
است پرده بیرون بخوانند اینها به مجلس
مربوط نیست هر کس سوه استفاده کرده
اسم ببرید
نراقی - بدون شناخت این تره و

از اقدامات دولت گذشت است
سلطانمراد بختیار - آقای صفائی
 بدزها توهین میکند
عبدالصاحب صفائی - بنده چون
 یازم سبک است - میگویم این تملق‌ها را
 نکو .
رضائی - اگر روزگاری طایفانی
 رحمت داخلی را دچار خطر نموده بودند
 و زمانی بیکانه پرستانی استقلال میهن
 عزیزمان را ضایع کرده انداخته بودند، ملت الملل
 پیشرفت سوزت همه آنها فساد نمودی از
 مسئولین گذشته است (میراشرفی - مخصوصاً)
 یکی از گناههای بزرگ سبب زامدی
 این بود که نگذاشت این مملکت را
 در دوره مصدق کوشیده ببرند ()
 که با نگاه مصدق دیگر از نظایر اعمال آنها
 آنها مظلوم مردم را روا داشته و
 آنها را محقوق مردم را تضییع کردند که
 آنها را بطلان آگاهانند .
آقایان وزراء - شما که جوان هستید ،
 و بهترین ایام خود را در دوران منتجع و پر
 آشوب حیات سیاسی ایران بسر آوردید
 باید بفانید که مصدق سودجو و غرضی
 پرست و گروهی فاسد، شهرت طلب و جوامعی
 فریب خورده و بیکانه پرست دست به دست هم
 داده و در گریز راه برافتاری که در پیش
 دارید، نشسته اند .
 اگر شایانانی و قدرت مبارزه با این
 عوامل فساد و باندهای بکار خارجه را ندارند
 و مرد این میدان نیستید بر خود بر ملت ایران
 ترحم کنید و هر چه زود تر جای خود را به
 کسانی بسازید که ملی رغم تأثیر بی پایان
 فساد خواهی در تأمین منویات شاهانه و بر
 آوردن آرزوهای ملت ایران از هیچ خطری
 نهراسند .
 بزرگترین خطری که مبین ما را
 تهدید میکند سستی و معافانه کاری مدعیان
 خدمت به جامعه است .
 چه بسیاری کسانی که پیش از قبول
 زمامداری دعوی اصلاح طلبی و نجات جامعه
 اوغراق فساد داشته اند ولی چون قبول
 مسئولیت کردند به منظور حفظ و حراست
 شان و مقامی که به دست آورده بودند وظیفه
 اساسی خویش را از یاد بردند و معافانه کاری
 پیشه کردند .
نگرانی ما ، از شاورزای کابینه عقلی ،
 این است که خدای نا کرده شما نیز روزی
 دچار همین سر نوشت شوید و ما ناگزیر
 گردیم که بهمان سبب و علل با شما نیز به
 مبارزه برخیزیم .
ماضکران سبقت نیستیم که شروع
 برنامه های اصلاحی و کارهای عام المنفعه و
 تولیدی ملازم با ضرورت و معطله میباشد
 ولی علت ایران نیز بی کسی که از گذشتگان
 مواضعی حاصل شنیده است - صبر و شکیبایی
 خود را از دست داده است . همین سبب شما
 نیز بلیه مورعظانک خود را کفرانه کرده

مذاکرات مجلس شورای ملی

و با شروع قسمتی از کارها رفتی به بیکر بی
 روح اقتصاد ایران بدیدند و بنده که اجرای
 عملیات بی سابقه در میان جماعتی معرود
 هیچگاه خالی از نقص و عیب نخواهد بود و
 شایسته بیاید این قاعده کلی را بپذیرید و
 اوقات گرانهای مملکت را منهدم صرف
 مطالعات ننمایید . خاصه آنکه فرصت های
 گرانهای در طی سالهای گذشته از دست
 رفته است .
عبدالصاحب صفائی - دو نفر
 استفاده چی را اگر معرفی میفرمودید از
 این صحبت ها بهتر بود .
**۳. تقدیم هشت فقره سؤال
 و تلگراف بوسیله آقایان
 دکتر مشیر فاطمی - نقابت -
 دکتر امیرنیر و منگن نقابت
 آبادی - میراشرفی - پیراسته
 رئیس - آقای دکتر مشیر فاطمی
 دکتر مشیر فاطمی - بنده سؤالی
 دارم از وزارت اقتصاد ملی تقدیم میکنم
 رئیس - آقای نقابت -
 نقابت - سؤالی است از
 وزارت کشاورزی راجع به مزاحمت هایی که
 پنجاه خالصه بکشاورزان خوزستان میکنند
 رئیس - بسیار خوب . آقای دکتر
 نیرومند .
دکتر نیر و منگن - تلگرافی است
 راجع بکارخانجات اصفهان که تقدیم
 میکنم .
رئیس - آقای قنات آبادی
قنات آبادی - سؤالی است از وزارت
 دارائی راجع به پس دادن سیرده یک شرکتی
 بنام کانفرمیر که برنده مزایه در هزارتن
 جواز جو بوده است و بنامده و بندهش عمل
 نکرده و طبق قانون مقررات بایستی این
 سیرده بنفع دولت ضبط شود معذک که
 وزیر دارائی دستور پرداخت این سیرده ای
 که مال دولت است داده و من توجه دولت را و
 مخصوصاً مقام ریاست را جلب میکنم که چون
 ممکنست بوسیله ابادی وزیر سابق دارائی
 این پرونده از اداره غله دزدیده شود من تقاضا
 میکنم دستور بندهید که این سؤال زودتر
 بچریان بیفتد .
رئیس - پرونده ها که البته دزدیده
 نشود ولی اقدام میشود . آقای میراشرفی
میراشرفی - بنده سه سؤال است
 که تقدیم میکنم یکی راجع بوقایع ۱۷ آذر
 است از وزیر دادگستری که این پرونده
 وقایع ۱۷ آذر را چه کرده اند در چه مرحله
 است و یکی از جناب آقای وزیر دارائی
 کرده ام راجع به باراضی الهیه که فروش
 رفته و تاکنون چه مبلغی مالیات
 پرداخت کرده اند و یکی راجع به مالیات های
 کلی راجع به خانم طهرالدوله است که سؤال
 کرده ام از وزیر دارائی که چند مالیات دوز
 است .
رئیس - مناجار خوب . دیگر آقایان
 سؤالاتی ندارند . آقای پیراسته سؤالی
 دارید؟**

صفحه ۳

پیراسته - چند تلگراف از شماره
 رسیده که در آنها آفت سیردگی و تکرک
 آمده تقدیم میکنم و تقاضا میکنم بدست دستور
 بفرماید کمک کند .
**۴. مذاکره در گزارش
 کمیسیون قوانین دارائی
 راجع به مالیات بر ارث
 از ماده ۱۷**
رئیس - جلسه پیش ماده ۱۷ مالیات بر ارث
 مطرح بود بعد از آنکه آقای کفیل
 وزارت دارائی صحبت کردند و توضیح
 دادند آقای نقابت پیشنهاد کفایت مذاکرات
 داده اند .
میراشرفی - بنده پیشنهاد سکوت
 دادم .
رئیس - راجع بسکوت میخواهید
 صحبت کنید؟
میراشرفی - فقط راجع بسکوت
 دلباش راعرض میکنم
رئیس - راجع بسکوت باید مختصر
 بفرمایید .
میراشرفی - بطور اختصار عرض
 میکنم .
رئیس - پیشنهاد آقای میراشرفی قرائت
 می شود .
**پیشنهاد میکنم که لایحه مالیات بر ارث
 مسکوت بماند .**
رئیس - آقای میراشرفی
میراشرفی تا اگر خاطر مبارک آقایان
 باشد این جلسه ای که امروز بحث در اطراف
 تبصره ماده ۱۷ میشود چهارمین جلسه است
 که راجع بیک کسسه ای که بنده است تقاضا کردم
 از جناب آقای وزیر دارائی که در ۲ جلسه
 علنی جناب آقای وزیر دارائی تشریح
 آوردند و قبول فرمودند و بنده قبول کرده
 از عقیده شان بیک کلمه ای استماعا کردم که
 اضافه بشود که اشخاصی که بهر نوعی از
 انعامها پرداخت مالیات بر ارث فرار کرده اند
 حالا که قانون را میخواهید تصحیح کنید
 طوری تصحیح کنید که اشخاصی که تاکنون
 فوت نکرده اند چون مالیات بر ارث بر متوفی
 که تعلق نیکی بر بر ماتر کش تعلق میگردد
 اشخاصی که تاکنون فوت نکرده اند مشمول
 پرداخت مالیات بشوند و بنده ای از آقایان که میداند
 بنده گاهی وقتی عصبانی میشوم بنده راه سبانی
 کردند و اتفاقاً یک مثالی زدم راجع بیک
 کسی که در حدود صد میلیون مالیاتش
 است و بنده انتظار داشتم که مجلس شورای
 ملی و جناب آقای رضائی و رفقایان که
 اینطور دعوی صوب سالیستی میکنند و ادعا
 میکنند باید ملاحظه را از بین برد باید
 ریشه قناد را بکنند برای بگویند برای بنده
 که یک آدم سرطانی بزرگ می بود این
 مملکت مالیات بدیده متأسفانه بایستد و باقی
 نماندند می جنگر عرض میکنم

صفحه ۲

این کلمه قابل قبول نخواهد بود و وزیر دارائی
 بیچاره هم نمیتواند قبول کند تا بنگه لای
 سنگه آن خواهد شد گذاشت و بعد انتم که این
 حرفها را برای ضعیف و بیچاره ها بایستی اجرا
 بشود نه برای سرکار خانم طهرالدوله ولی
 دلایل اینکه بنده پیشنهاد سکوت دادم
 حضور آقایان عرض میکنم با اجازه آقای
 رئیس جناب آقای واکتر امینی لایحه ای
 دادند که مالیات بر ارث با صد صدی ۲۰
 صدی ۵۰ موعده ۷۰ گرفته بشود (داراب -
 صدی ۷۰) (۷۰) بلی صدی ۷۰ متأسفانه
 بایستی عرض کنم که جناب آقای واکتر امینی
 که خودشان بایستی مالیات بدهند با وسایل
 حیطه و تروری از پرداخت مالیات بر ارث
 خودشان را معاف کرده اند یعنی آن نوعی
 که مالیات بر ارث در زمان اعلیحضرت رضا
 شاه کبیر صدی ۵۰ تثبیت شده ایشان از پرداخت
 آن صدی ۵۰ هم با درست کردن اسناد انتقال
 املاک با آقایان فرزندها این موضوع را پانچال
 کردند و تعدادند و سالها که صدی ۲۰ و
 صدی پنجاه و صدی ۷۰ آورده اند بلرهم
 قانون را ظوروی آورده اند که مشمول املاک
 مهم درجه اول این مملکت که شاید منحصراً
 فرد باشد نبود و باید طلب دیگر هم بخوایم
 عرض بکنم که کسی نمیتواند یک لایحه ای
 بدهد که بان لایحه معتقد باشد کسی که با
 حق و با وزیر فرار میکند از پرداخت مالیات
 این نسبتواند یک همچو لایحه ای
 بیاورد .
رئیس - آقای میراشرفی از موضوع
 خارج نشوید .
میراشرفی - اجازه بفرمایید یک دلیل
 دیگر عرض میکنم و مرخص میشوم و این
 مطلبی که عرض میکنم از جناب آقای وزیر
 دارائی هم سؤال کردم هنوز جواب نداده اند
 جناب آقای واکتر امینی پرونده مالیات بر ارث
 مرحوم و توفی الدوله را در زمان صدی خود
 شان خائنه داده اند و تمام املاک و توفی الدوله
 را اعم از منقول و غیر منقول در حدود یک
 میلیون رو به بیست هزار تومان قیمت گذاشته اند
 شان را با آقایان شا که همان وقت باید
 سلبانی را بدیده اند - میدانید که این سلبانی
 الان کمتر ۵۰ تومان می ارزد - این سلبانی
 یک میلیون رو به بیست هزار تومان می ارزد؟
 (مهدوی سلبانی ده است و متری دو تومان
 هم نمی ارزد)
رئیس - آقای میراشرفی این مطالب
 مربوط به پیشنهادتان نیست در پیشنهادتان
 صحبت بفرمایید
میراشرفی - بنده میخواهم از آقایان
 تقاضا کنم که این لایحه مسکوت مانده و نقل
 وزیر دارائی لایحه را بچیرد و یک معطله
 بپنجره بکشد که خودش باشد لاف از
 بر گرداند که خودش معتقد باشد لاف از
 پرداخت مالیات بر ارث اینطور فرار
 نکند چون جناب آقای رئیس اقتدر درجه
 فرزند می جنگر عرض میکنم

مذاکرات مجلس شورای ملی

کردند و فرار کردند از مالیات حالا بعد از
 مدتی بعد از تغییر اوضاع عمومی ایران ،
 دنیا ، جهان آمدند این مطلب رسیده اند
 که این نمیشود یک عده ای توی یک مملکت
 بخصوص یک مملکتی مثل ایران که ۹۰
 درصد یا ۹۹ درصدشان معرود از ضروریات
 و حوائج اولیه زندگی هستند در یک
 چنین مملکتی یک عده ای ثروت ها و
 ملک های بزرگ داشته باشند و با فراد بهد
 منتقل شود بدون اینکه مالیات بدهند
 روی این ضرورت این لایحه تنظیم شده
 و مجلس آمده اما معذک و متأسفانه باز
 تنظیم کنندگان این قانون و تدوین کنندگان
 این لایحه آن کسانی بودند یازائید فکر
 آن کسانی بوده است که خود آنها بایستی
 مالیات های بزرگ بمملکت بدهند لذا
 جوری این لایحه تنظیم شده که نه امروز
 و نه در گذشته و نه در آینده باز گریبان
 این طبقه گرفته نشود بنده مخالفتم با
 کفایت مذاکرات باین دلیل است که امروز
 که مجلس شورای ملی این لایحه در آن
 مطرح است و ما می بینیم که یک عده ای
 مدعی هستند که ما می خواهیم با فساد مبارزه
 کنیم اگر جرأت دارند و اگر راست
 میگویند این قدمی است که با فساد بزرگ
 مبارزه بشود (صحیح است) و بهترین و
 عالیترین روش مبارزه با فساد مبارزه با
 مفسدين بزرگ اینست که یقه اینها بنام قانون
 گرفته شود و این تروتی که مال مردم
 بوده و آنها بلطائف الحیل دزدیده اند بنام
 قانون از آنها گرفته بشود و تحویل اجتماع
 و حکومت داده بشود بنابر این آقایان
 بکفایت مذاکرات رای ندهید و تکلیف
 این لایحه را از نظر ثروتمند های بزرگ و
 آنها که بلطائف الحیل و انواع و اقسام
 حقه بازیها اموالشان را بین ورثت تقسیم
 کرده اند بایک فکر صحیح و منظم تعیین
 بکنیم بعد این لایحه را تصویب بکنید
 والا چه داد برتید چه عریبه بکشید چه
 نقش بدهید چه مقاله بخوانید کسی باور
 نخواهد کرد که شما میخواهید با فساد مبارزه
 کنید و همه بریش گویند گمان این حرف
 می نختند (صحیح است)
رئیس - رای گرفته میشود بکفایت
 مذاکرات آقایانی که با کفایت مذاکرات
 در این ماده موافقت قیام کنند (اکثر
 برخاستند)
قنات آبادی - حالا اینها میخواهند
 با فساد مبارزه کنند میلیونرها و دزد های
 بزرگ باید از مالیات معاف بشوند
سلطانمراد بختیار - آقای قنات
 آبادی هر کسی آزاد است رای خودش را
 بدهد چرا توهین میکنید
قنات آبادی - بله هر کسی هم آزاد
 است که عقیده خودش را بگوید میلیونرها
 از پرداخت مالیات معافند .
نقابت - اینها راجع بحث نیست من

صفحه ۱

حاضرند و در اینجا باشا مباحثه کنیم کمال حق
 است آقای قنات آبادی
قنات آبادی - بله شما بنام بنده تروتمند
 های بزرگ هستید
رئیس - کفایت مذاکرات تصویب
 شد حالا باید باده رای گرفت ماده ۱۷
 قرائت میشود
 (شرح زیر قرائت شد)
 ماده هفدهم - اگر مالی اعم از منقول
 یا غیر منقول بلاعوض شخصی داده شود
 بدون رعایت حداقل بخشودگی بر طبق
 نرخ مالیات ارث طبقه دوم ورثت مالیات
 تعلق میگردد و دهنده و گیرنده متضامن مسئول
 پرداخت مالیات متعلقه میباشد . چیزی به
 اموالی که برای امور خیریه و یا ع - م -
 المنفعه از قبیل بیمارستان کورستان و
 پرورشگاه یتیمان و مدارس و نظائر آن
 مانند مساجد و کتابخانه و آب انبارهای عمومی
 داده میشود از پرداخت مالیات معاف
 خواهد بود
 تبصره ۱ - صلح محاباتی با شرط خیابار
 فسخ یا اختصاص منافع بمالك بطور دائم
 یا موقت از نظر این قانون در حکم صلح
 قطعی محسوب شده و مشمول مالیات
 میگردد .
 تبصره ۲ - منظور از عوض آنست که
 بهای اال مورد صلح با قیمت واقعی آن
 بیش از بیست درصد اختلاف نداشته
 باشد .
رئیس - آقایانی که با ماده ۱۷ دو
 تبصره آن موافقت قیام کنند (اغلب
 برخاستند)
قنات آبادی - من باین لایحه که
 بنفع طبقه تروتمند است نمیتوانم رای بدهم
 این لایحه برای طبقه اشراف دارد میگردد
 اصول ارث نیستند میکنند همه اموال باید
 برود بخزانه دولت ولی ما که مسلمان
 هستیم وارث را از حقوق صحیح میدانیم
 میگویم ارث یک در آمدی است باید
 مالیات بدهد حالا آقا اگر در آمدی بود
 باز هم باید مالیات بدهد ؟ اگر شخصی
 پاندر یا حبس یا وصیت واقع شود یا مستثناء
 مواردی که برای امور علم المنفعه نامبرده
 در ماده قبل باشد مشمول مالیات بوده و
 نرخ آن بدون حداقل بخشودگی و مطابق
 نرخ مالیات طبقه دوم منظور در ماده ۹
 این قانون محسوب خواهد شد
 تبصره - مال مورد وصیت در موقعی
 مشمول مالیات خواهد بود که با فوت موصی
 وصیت قطعی شده باشد .
رئیس - آقای صفائی
عبدالصاحب صفائی - بنده خیلی
 متأسفم که حب و بنض باعث شده است یک
 قانون ناقصی تصویب میشود قبلا هم
 عرض کردم در جلسه پیش عرض کردم
 ناقص است در صلح بلاعوض اگر ما به
 اختلاف ۲۰ درصد باشد که از کل صلح
 های بلاعوض بزرگ مالیات بگیرند برای
 اینکه این مابه الاختلاف در حدود بیست
 درصد ممکن است وضع طالب و شرط
 و خصوصیات دیگر باعث میشود که مقوم
 از زیان این اختلاف را قائل بشود شما
 اگر یک خانه ای را فروختید و صلح
 کردید بعد تومان از زیان باید بیاید آن
 را ارز بایی بکنند و حتماً میگویند ۱۲۰
 تومان چرا میگویند برای اینکه مینتر سهوا
 متهم بر شاه بکنند چنانکه اخطارها پیش
 آگهی ها همیشه ۵۰ برابر است و از مقام
 وزارت استماع کردم که چون در مورد
 دوم است ومانی توانیم پیشنهاد بدهیم
 شما خودتان یک راه حل منصفانه ای برای
 این پیدا کنید که واقعاً مردم در زحمت
 واقع نشوند ولی توجه نشد و جنگی پیدا
 شد که در نتیجه آن جنگ حرف حسابی
 مغلص هم از بین رفت مثل سایر حرف
 های حسابی دیگر اما این ماده ۱۸ بقیده
 بنده ظالمانه است جناب آقای نقابت
 توجه بفرمایید شاید عقیده تان با بنده موافق
 بشود (نقابت - آن ماده که گذشت ماده
 ۱۸ راعرض کردم توجه بفرمایید مالیات
 بر ارث چرا وضع میشود ؟ فلسفه اش
 چیست ؟ چون ارثی که بهور میرسد یک
 نوع در آمد است اصل مالیات برود
 آمد چون یک اصل مسلم هندالکل است
 وارث هم یک نوع در آمده است در صورتی
 که با صلح یک مقداری از مال مورث من
 میرسد پس حقا هم باید اینرا مالیات
 بدهم یعنی هرکس که یک مال بچانی
 و در آمدی پیدا کرد باید مالیات بدهد این
 اصلی است که فلسفه مالیات برود آمد و
 بنفع طبقه تروتمند است نمیتوانم رای بدهم
 این لایحه برای طبقه اشراف دارد میگردد
 اصول ارث نیستند میکنند همه اموال باید
 برود بخزانه دولت ولی ما که مسلمان
 هستیم وارث را از حقوق صحیح میدانیم
 میگویم ارث یک در آمدی است باید
 مالیات بدهد حالا آقا اگر در آمدی بود
 باز هم باید مالیات بدهد ؟ اگر شخصی
 پاندر یا حبس یا وصیت واقع شود یا مستثناء
 مواردی که برای امور علم المنفعه نامبرده
 در ماده قبل باشد مشمول مالیات بوده و
 نرخ آن بدون حداقل بخشودگی و مطابق
 نرخ مالیات طبقه دوم منظور در ماده ۹
 این قانون محسوب خواهد شد
 تبصره - مال مورد وصیت در موقعی
 مشمول مالیات خواهد بود که با فوت موصی
 وصیت قطعی شده باشد .
رئیس - آقای صفائی
عبدالصاحب صفائی - بنده خیلی
 متأسفم که حب و بنض باعث شده است یک
 قانون ناقصی تصویب میشود قبلا هم
 عرض کردم در جلسه پیش عرض کردم
 ناقص است در صلح بلاعوض اگر ما به
 اختلاف ۲۰ درصد باشد که از کل صلح
 های بلاعوض بزرگ مالیات بگیرند برای
 اینکه این مابه الاختلاف در حدود بیست
 درصد ممکن است وضع طالب و شرط
 و خصوصیات دیگر باعث میشود که مقوم
 از زیان این اختلاف را قائل بشود شما
 اگر یک خانه ای را فروختید و صلح
 کردید بعد تومان از زیان باید بیاید آن
 را ارز بایی بکنند و حتماً میگویند ۱۲۰
 تومان چرا میگویند برای اینکه مینتر سهوا
 متهم بر شاه بکنند چنانکه اخطارها پیش
 آگهی ها همیشه ۵۰ برابر است و از مقام
 وزارت استماع کردم که چون در مورد
 دوم است ومانی توانیم پیشنهاد بدهیم
 شما خودتان یک راه حل منصفانه ای برای
 این پیدا کنید که واقعاً مردم در زحمت
 واقع نشوند ولی توجه نشد و جنگی پیدا
 شد که در نتیجه آن جنگ حرف حسابی
 مغلص هم از بین رفت مثل سایر حرف
 های حسابی دیگر اما این ماده ۱۸ بقیده
 بنده ظالمانه است جناب آقای نقابت
 توجه بفرمایید شاید عقیده تان با بنده موافق
 بشود (نقابت - آن ماده که گذشت ماده
 ۱۸ راعرض کردم توجه بفرمایید مالیات
 بر ارث چرا وضع میشود ؟ فلسفه اش
 چیست ؟ چون ارثی که بهور میرسد یک
 نوع در آمد است اصل مالیات برود
 آمد چون یک اصل مسلم هندالکل است
 وارث هم یک نوع در آمده است در صورتی
 که با صلح یک مقداری از مال مورث من
 میرسد پس حقا هم باید اینرا مالیات
 بدهم یعنی هرکس که یک مال بچانی
 و در آمدی پیدا کرد باید مالیات بدهد این
 اصلی است که فلسفه مالیات برود آمد و
 بنفع طبقه تروتمند است نمیتوانم رای بدهم
 این لایحه برای طبقه اشراف دارد میگردد
 اصول ارث نیستند میکنند میکنند همه اموال باید
 برود بخزانه دولت ولی ما که مسلمان
 هستیم وارث را از حقوق صحیح میدانیم
 میگویم ارث یک در آمدی است باید
 مالیات بدهد حالا آقا اگر در آمدی بود
 باز هم باید مالیات بدهد ؟ اگر شخصی
 پاندر یا حبس یا وصیت واقع شود یا مستثناء
 مواردی که برای امور علم المنفعه نامبرده
 در ماده قبل باشد مشمول مالیات بوده و
 نرخ آن بدون حداقل بخشودگی و مطابق
 نرخ مالیات طبقه دوم منظور در ماده ۹
 این قانون محسوب خواهد شد
 تبصره - مال مورد وصیت در موقعی
 مشمول مالیات خواهد بود که با فوت موصی
 وصیت قطعی شده باشد .

واقع شود توجه فرمودید آقای ارباب هر مالی که مورد وقف یا نذر یا حبس یا وصیت واقع شود باستانی مواردی که برای امور عام المنفعه نامبرده در ماده قبل باشد مشمول مالیات است خواهش میکنم مورد وقتی که این مصداق پیدا میکند چون قانون مصداق میخواند بفرمائید (نیور تاش و وقف بر اولاد) هر قانونی باید مورد پیدا کند اگر مورد پیدا نکند یا موردش یک فرد استثنائی باشد همان دلیل که فرمودید که منظور قانون بر له یا علیه این شخص یا آن شخص باشد صحیح نیست و قانونی که مصداق عمومی نداشته باشد و مصداقش معلوم نباشد صحیح نیست این مال مورد وقف یا نذر یا وصیت یعنی وصیت بر اولاد فرض دیگری هم دارد (احمد صفائی) آن وصیت هائی که جنبه عمومی ندارد مثل وصیت برای یک شخص معهودی

رئیس - آقایان بین الاثنین صحبت نکنید

عبدالصاحب صفائی - بنا بر این بقیه بنده این ماده باین اطلاق زحمت ایجاد میکند که آیا مورد وقف عام المنفعه هست یا نیست اگر استثنائی هم باشد باید در آن قسمت ماده گذاشته شود یک ماده مستقل در مقابل آن ماده زحمت تولید میکند اگر لازم بود مورد استثنائی باشد در آن ماده باید قید شود بجز وقف در موارد خاص استثناء در آنجا باید قائل شد نه در اینجا یک ماده واحدی درست میکنید مستقل که نثر وصیت و وقف را بطور کلی میکویید باید مالیات بدهند درستی قضیه باید برعکس شود باید استثناء از آن طرف بشود یعنی کلیه موقوفات عام المنفعه نباید مالیات بدهند مگر موقوفات بر اولاد یا خاص ولی در این ماده قضیه را برعکس کرده اند چرا حالا من این چرا را عرض میکنم چون استثناء راهمانجا میتوانستند بنویسند در آن ماده ممکن بود ذکر میکنند یعنی در همانجائی که وقف بر عام را قید کرده اند استثنائی خاص را هم در همانجا باید بنویسند محتاج یک ماده جدیدی نبود چرا ماده جدیدی شد چون وزارت دارائی خوش میآید که همیشه بفرمودی را بگیرد همیشه اختلافی و بحث ایجاد شود بین مؤدی و غیر مؤدی البته آقای فروزان منظور من جنبه مالی نیستند شما از صاحب معنایی هستید که همیشه امعان داده اند مصنفان کار میکنند (صادقی) مگر شما نگفتید که تعریف نباید کرد چرا خودتان تعریف میکنید (تعریف میکنم من گفتم تعریف نکنید (صادقی) الان گفتید من گفتم تعریف کردم دادن صحیح نیست من گفتم اینست دولت مساوی آن دولتی است من میکنم قضاوت نمیدم

رئیس - از موضوع خارج نشوید
عبدالصاحب صفائی - خارجم

کردند (خنه نمایندگان) این دولت همان دولت است فقط رئیسش عوض شده است او شده فاسد این مبارزه با فساد این که میشود عرض بنده اینست که تشویق و تقدیر بفرمائید تویبیم هم بفرمائید ولی تویبیم از شخص باید بشود تشویق از شخص باید بشود اگر کار بدی کرده تویبیم کنید آن سبب شکست از روی دوش بنده رفت روی دوش آقای ایکس این شکستن سبب نیست هر کس در دولت سابق سوء استفاده کرده است اسم ببرد اما چرا ماده ۱۸ باینصورت در آمده بقیه بنده اگر مقصد و واقفیتی در قضیه بود در همان جائی که اوقاف عامه استثناء شد استثناء روی اوقاف خاص میشد در اینجا این ماده را بقیه بنده من برای این گذاشته اند که در هر مورد وقتی بحث در عام المنفعه بودن آن بشود جناب آقای خلعتیری عام المنفعه یک امر کلی است ممکن است بنظر بنده وصیت بر مریم خان وصیت عام المنفعه باشد ولی آقا بفرمائید مرضای پولدار را باید استثناء کنید چون این مرضیخانه نروند آنها آنجا میخواهند عام المنفعه نیست و عام المنفعه یک لغتی است که درش بحث میشود کرد میگویند که طبق ماده ۱۷ وقف مطلقا باید مالیات بدهد این را خواهش میکنم توجه بفرمائید به بنیاد اصل کلی این شده است که باید وقف مالیات بدهد چون آن که باید مالیات بدهد وصیت است نذر است وقف است اصل اولیه طبق ماده ۱۸ اینست که مالیات باید بدهد استثنائش عام المنفعه است یعنی هر موقوفه ای هر نذری هر وقفی هر وصیتی واقع شد مأمور مالیات باید برود و بقیه او را بچسبند و بگویند مالیات بنده او را برود استثناء را ثابت میکنند فرق این دو تا از نظر قضائی زیاد است فرق است بین مدعی و مدعی علیه وزارت دارائی در اینجا خواسته است اثبات عام المنفعه را کردن مؤدی بگمارد اگر بگفتیم که وقف معالی از مالیات است مگر وقف بر خاص وزارت دارائی میباید برود ثابت کنند که این وقف بر خاص است یا بر عام در اینجا قضیه بر عکس کرده هر وقتی که واقع می شود می گویند باید ما به التفاوت بدهی مؤدی باید برود ثابت میکنند که مورد عام المنفعه هست یا نیست آقایان که وارد در امور قضائی هستند میگویند البته علی المدعی وقتی که بیته بر مدعی شد وزارت دارائی ملک وصیت را توقیف میکند مالیات را شروع بوصول میکند تا آن مدعی وصیت بر عام برود در دادگاه بگوید که ثابت کند که آقا وقف بر عام و عام المنفعه است کار تمام شده این باید برعکس شود یعنی ما باید بگوئیم وقف و نذر و وصیت جناب آقای مهندس جعفرودی است

بجسبه که مالیات بنده (دکتر بیضا) مکتوما صحیح است) توجه فرمودید که ماده ۱۸ از لحاظ قضائی و از لحاظ اصول اسباب زحمت میشود درست قضیه را بر میگردداند که مؤدی بماند اینطرف و آنطرف برود ثابت میکنند که این موردی که من وقف کردم از موارد عام المنفعه است هیچوقت ملکیت باوقف (برو و متوقفی که متضمن تملک است مالیات دارد) جناب آقای پرومند وقف با ملک دو امر متفاوت است

بر و صند - مالکیت منافع
رئیس - آقایان بگویم بین الاثنین حرف نزنند

عبدالصاحب صفائی - بنا بر این بنده استدعا میکنم از آقایان موضوع کلی بحث سیاسی را از این ماده سوا کنند از قانون مالیات بر اراضی و زمینها و املاک خودمان آخر این زمینها نیست که یک مجلسی که بیست پنج شش نفر قاضی درش هست و از اصول قضاوت واقفند یک قانونی بگذارند ناقص و بدهم جناب آقای فروزان ایراد کردند و حق هم بایشان است که آقا این قانون دوشور شده و دو دفعه هم بکسی بیرون نرفته تو کجا بودی که این حرفهای را زدی حالا هم حق بایشان است حالا بنده اگر تصور می کنم در انجام وظیفه کرده ام جناب آقای فروزان که بظاظ این تصور نباید مردم ایران را خوب بزنید من تصور کردم که بوقوع فرقت در کسب و پیشه بدهم و توضیحات لازم بدهم مردم چه گناهی کرده اند بیس بنده پیش نهادم اینست که اصل کلی در وصیت و نذری و وقف معافیت از مالیات باشد (صحیح است) که از این بعد قانون بر ارض و مالیات روی حق و واقع باشد استثنائش را تصریح بفرمائید مگر اینکه وقف بر اولاد و یا بر موارد خاصی باشد که وزارت دارائی خودش برود ببیند که بر مورد خاصی هست یا نیست نه اینکه موقوفات بگیرد و من برود ثابت کنم که وقف بر امور عام المنفعه هست یا نیست این خلاصه عرض بنده بود و واقعا استدعا می کنم آقایان توجه بفرمائید (داراب) این اصل کلی در تمام امور مالیاتی هست استدعا میکنم و واقعا از آقایان نمایندگان محترم خواهش میکنم یک قانونی بگذارند که بعد هر وقت خودشان دیدند پیش وجدان خودشان ناراحت نباشند که چرا در موقع بحث بر اعصاب و احساساتشان مسلط نبوده باشند و یک قانون ناقصی را گذرانند باشند (میراشرفی) خودشان نمی بینند و رنه شان می بینند (قاتل آبادی) خیالتان از این حیث راحت باشد فکر بعد از فوت را هم کرده اند

رئیس - آقای نقابت موافقت؟
نقابت - موافقت بفرمائید
نقابت - بنده برخلاف ناطق محترم نه خواهش میکنم که رای ضرر بدهد نه خواهش میکنم که رای قطع بشود چون

جای خواهش نیست یک مطلب قانونی اصولی در پارلمان یک کشوری مطرح است ناطقین بایستی که دلالت له و علیه را بیان کنند (صحیح است) و همه آقایان هم آزادند که بر طبق مستنبطات خودشان نظر بدهند و هر کس قیام با تصور کرد آزاد است در فکر خودش و باین جهت است که ماه کسی را منتهی میکنم و نه کسی را مرتجع و باطرندار عدالت اجتماعی بیجهت نام نیکند از این جهت است که بنده همیشه نسبت به جناب آقای شمس قنات آبادی احترام دارم که همیشه در مجلس وقتی صحبت میکنند صد در صد مطابق آیین نامه است در پیشنهادات در سایر موضوعات همیشه رعایت این موضوع را میکنند اما گاه انسان در اقلیت یک دولتی وقتی واقع می شود (صحیح است) طبیعتا بایستی از هر موضوعی یک صدائی بر آورد تا اینکه گاهی تشنجی را ایجاد بکنند (میراشرفی) نه اینطور نیست آقای نقابت اظهار عقیده اینطور نیست (قاتل آبادی) ماده ۸۷ منظور بنده از این مقال این بود که یک تذکری دارم خواستم مندرت بخواهم که عرض بنده بایشان بر نخورد تمام مطالب من ممکن است صحیح نباشد ولی باید استدلال را بکنم و مستمعین و آقا ایان نمایندگان هم مطالعه بفرمائید در مورد وقف و موضوع ماده ۱۸ اساسا این بحث صحیح نیست که ما بگوئیم وقف یا نذر یا حقس برای چه میشود زیرا طبق تعریف قانون مدنی و طبق نظر فقهاء وقف عبارت است از تئیت العین و تسبیل المنافع یعنی اصل ملک باقی و یا برجا بماند و قابل نقل و انتقال نباشد فقط منافع تسبیل میشود تسبیل دم ظاهرش فی سبیل الله است یعنی در راه عامه در راه امور حسبه در راه خیرات و میراث آن هم که وقف اولاد میکند از لحاظ این است که اولاد اورد آیه دچار فقر و استیصال و بدبختی نشود یک خان خانای داشته باشد ولی همیشه دردم که دروقف نام در نذر وراثت که البته اینهم یکی از انواع وقف است و در جسی همیشه بطور موقت یا دائم صرف یکی از امور خیریه میشود این محتاج باین نیست موقوف علیهم یا تولی بر و نه اثبات کنند زیرا وقف بدون سند رسمی در این تاریخ میسر نیست در متن و قفسنامه ها قید میشود که این مال بچه مصرفی برسد این مصرف اگر از قبیل صرف بر بیماران یا مستمندان یا مسلولین یا سایر امور باشد عام المنفعه است و در ضمن واقف مسکن است که یک چیزی از عایدات و نفرا صرف اولادش یا صرف مصارفی بکند که آن هم جنبه خیر دارد و لهذا در این ماده که به تبعیت از قانون قدیم نوشته شده است که وقف و نذر و حبس مشمول مالیات است مگر اینکه مصرف

بر خیریه باشد یک حرف صحیحی است بر گردیم این مطلب را تبدیل کنیم این صورت بگوئیم که وقف و نذر و حبس مشمول مالیات نیست مگر اینکه ناظر بر باشد (دکتر شاهکار) این غلط است بر خلاف مطلوب است زیرا بسیاری لغاس بوسیله وقف یا بوسیله نذری که از کند از مالیات یک مقرراتی را وضع میکنند که حق دولت تأدی نمیشود و بنده چال میکنم که در یک کشور مشروطه در تشکیلات تمدن امروز آنچه را که ما بینیم آنچه که بخزانه عمومی میدهم ترین میراث است بهترین خیرات است ترین راهی است که صرف منافع عامه شود این فکر که دولت و دولتها عمل نم و چونند و پولها را صرف امور غیر عامه میکنند که مدتی است بموجب لایحی ایجاد شده و باعث شده است که مردم با منافع دولت و ملت مبارزه کنند یعنی اگر به فلان متشرع بگوئید که تا مالیات ندادی خلاف شرع کردی بگوید مالیات مشروع نیست من خلاف شرع نکردم اما باید دید آن دولتی که نامدار امور جامعه یک مملکت است یک به یک بیمارستانهای یک دانشگاههای که به تحصیل طب و تحصیلات سایر امور روز افزونتر بدهد و ضررش را در درجه بکشد یا در ساختمان آسایشگاه برای مسلولین دولت کرم کند در چنین راهها دولت اقدام کند فرهنگ جانی ایجاد کند اینها همه اش امور خیریه بهره و صلاح جامعه است باید اینقدر برد گفت تا این فکر بیرون بیاید و مانند که مالیات ندادن خلاف شرع است مالیات ندادن صدمه زدن بنفوس و جامعه است باید مالیات داد (میراشرفی) بر چرا رای ندادید شما بنده ۱۷ که ایات گرفته شود) این ماده ۱۷ هم برای ما قراء (قراء مالیات نمیدهند قراء بلند که مالیات بدهند ساله بانقضاء موضوع است آن کسی که فقیر است مالیات ندارد مالیات از پسرای آنهاست که دارند و بایستی بدهند لذا در این ماده اشکالی من ندیدم فقط یک تذکری به جناب آقای فروزان دارم که در اول هم این پیشنهاد را دادم منتهی تذکره دادند که در ماده دوم این مطلب را گفتند در اینجا بوجهی تعهدی و تملیکی است چون جهت بردن قسم است وصیت عهدی و تملیکی است تملیکی این است که موصی بموجب وصیتنامه مالی بوسیله خودش واگذار میکند و عهد میکند و متعهد میسازد وصی را که آن نیت خیری را که دارد او اجراء کند متلام موصی مال را صلح میکند بزرگ و مقدر میدارد که زیدم ۲۰ سال برای او نماز و روزه استیجار کند یا حج برود یا بیمار خیریه بدهد یا بوراث ضعیف و فقیری که وارث او نیستند و در طبقات دیگری هستند مساعدت کند یا بفرزند فرزندش که در زمان حیات خودش فوت کرده است و حالا وارث نیست چیزی بدهد در اینجا جور و صایا چون بعد از فوت موصی شرعاً کسی نمیتواند استفاده کند و بحکم اجبار مکتف است که آن صلح را اجراء بکند این تمهیدات هم بگردش است وصیتنامه درمی آید مبینی که اموال صلح شده است بوسیله ولی مقرر داشته است که وصی چنین و چنان بکند حتی آنقدر تعهدات را که بگردن وصی گذاشته غالباً زائد بر میزان مال الصلحی است که باو داده است و ما اگر در این مورد بگوئیم که مطلق وصیت اهم از عهدی و تملیکی مشمول مالیات بشود این وصی و وصیتنامه عهدی باید تمام تمهیدات را از جیبش اجراء کند و اصل مال را هم بدولت بدهد یا بنیجهت بنده با قسمت تملیکی موافق که وصیت مشمول مالیات است اگر تملیکی باشد مالی را بکسی داده چه فرقی میکند با صلح بدهد یا با وصیت بدهد وصیت بکند که منتقل بشود اما اگر عهدی بود و عهد ما هم مبتنی بر امور خیریه بود باید این وصیت را مشمول مالیات قرار نداد این دلایل بنده است و خواهش میکنم در پیش توجه بفرمائید (احمد)

رئیس - پیشنهاد نقابت مذاکرات رسیده قرائت میشود (پیشنهاد آقای تیمورتاش بشرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم در ماده ۱۸ مذاکرات کافی باشد - تیمورتاش
رئیس - آقای تیمورتاش
تیمورتاش - بنده در این لایحه بهیچوجه از نقطه نظر طرفداری یا مخالفت با دولت یا با کسی که این لایحه را تقدیم کرده است و برخلاف آنچه که روزنامه اطلاعات هم نوشته بود نظر ندارم اگر بنده با دولتی مخالف باشم خیال میکنم که اینقدر شهادت و رشحات دارم که حرفم را رک و راست بگویم و محتاج به اینک از لابلای او رد بشوم نیستم و اما راجع به این موضوع خیلی اسباب تعجب است در ماده ۱۷ چهار جلسه مجلس مصروف این شده که ما به بیست سال قبل برگردیم و آقا محلی که در دهها پیش اتفاق افتاده است شامل مالیات میشود یا نمیشود (در عمل نمیشود) مجلس رای داد که نمیشود و البته رای مجلس متعجب است و در اینجا راجع به محلی که خیلی سابقه و جاری است یعنی وصیت بر اولاد که بسیار بسیار معمول است ما اغلب دیده ایم دو اطراف خودمان که یک ملک بسیار بزرگ و مرغوب را مالک آن برای

که موصی بموجب وصیتنامه مالی بوسیله خودش واگذار میکند و عهد میکند و متعهد میسازد وصی را که آن نیت خیری را که دارد او اجراء کند متلام موصی مال را صلح میکند بزرگ و مقدر میدارد که زیدم ۲۰ سال برای او نماز و روزه استیجار کند یا حج برود یا بیمار خیریه بدهد یا بوراث ضعیف و فقیری که وارث او نیستند و در طبقات دیگری هستند مساعدت کند یا بفرزند فرزندش که در زمان حیات خودش فوت کرده است و حالا وارث نیست چیزی بدهد در اینجا جور و صایا چون بعد از فوت موصی شرعاً کسی نمیتواند استفاده کند و بحکم اجبار مکتف است که آن صلح را اجراء بکند این تمهیدات هم بگردش است وصیتنامه درمی آید مبینی که اموال صلح شده است بوسیله ولی مقرر داشته است که وصی چنین و چنان بکند حتی آنقدر تعهدات را که بگردن وصی گذاشته غالباً زائد بر میزان مال الصلحی است که باو داده است و ما اگر در این مورد بگوئیم که مطلق وصیت اهم از عهدی و تملیکی مشمول مالیات بشود این وصی و وصیتنامه عهدی باید تمام تمهیدات را از جیبش اجراء کند و اصل مال را هم بدولت بدهد یا بنیجهت بنده با قسمت تملیکی موافق که وصیت مشمول مالیات است اگر تملیکی باشد مالی را بکسی داده چه فرقی میکند با صلح بدهد یا با وصیت بدهد وصیت بکند که منتقل بشود اما اگر عهدی بود و عهد ما هم مبتنی بر امور خیریه بود باید این وصیت را مشمول مالیات قرار نداد این دلایل بنده است و خواهش میکنم در پیش توجه بفرمائید (احمد)

رئیس - پیشنهاد نقابت مذاکرات رسیده قرائت میشود (پیشنهاد آقای تیمورتاش بشرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم در ماده ۱۸ مذاکرات کافی باشد - تیمورتاش
رئیس - آقای تیمورتاش
تیمورتاش - بنده در این لایحه بهیچوجه از نقطه نظر طرفداری یا مخالفت با دولت یا با کسی که این لایحه را تقدیم کرده است و برخلاف آنچه که روزنامه اطلاعات هم نوشته بود نظر ندارم اگر بنده با دولتی مخالف باشم خیال میکنم که اینقدر شهادت و رشحات دارم که حرفم را رک و راست بگویم و محتاج به اینک از لابلای او رد بشوم نیستم و اما راجع به این موضوع خیلی اسباب تعجب است در ماده ۱۷ چهار جلسه مجلس مصروف این شده که ما به بیست سال قبل برگردیم و آقا محلی که در دهها پیش اتفاق افتاده است شامل مالیات میشود یا نمیشود (در عمل نمیشود) مجلس رای داد که نمیشود و البته رای مجلس متعجب است و در اینجا راجع به محلی که خیلی سابقه و جاری است یعنی وصیت بر اولاد که بسیار بسیار معمول است ما اغلب دیده ایم دو اطراف خودمان که یک ملک بسیار بزرگ و مرغوب را مالک آن برای

اینکه میخواهد از خانواده خودش خارج نشود وقف بر اولاد میکند یا اینکه نذر وراثی میکند یا اینکه حبس میکند این مدل که جنبه مالی و تملک و استیفاء دارد بنظر من هر گونه عرفی ایجاد میکند که از آن مالیات گرفته بشود (صحیح است) و این فکری که بگوئیم که اول بیاید این شخص ثابت بکند و بگویند که این عام المنفعه هست یا نیست بنظر من غلط است خارج از اصل است قد مسلم این است و اصل مبتنی بر این شد یک لایحه ای از مجلس بگذرد که هر کس که مالی بهش ارض رسیده باید مالیاتش را بدهد شما که ناگزیر باید از این موقوفات هم بگریزید مگر اینکه خلافتش ثابت شود مگر اینکه مسلم بشود که برای یک امور عام المنفعه و یک امور خیریه بوده است و بنا بر این بنده خیال میکنم که این موضوع خیلی خیلی روشن است و خیال میکنم که حیف است که مجلس وقت خودش را درباره یک همچو موضوع روشنی تلف بکند و باین مناسبت استندهای کفایت مذاکرات کردم باقی بسته بنظر آقایان محترم است

رئیس - آقای فرود بفرمائید
فرود - بنده قربان فقط یک سؤالی داشتم میخواستم اینرا بگویم سؤال بنده این بود که وقتی که برای برپا کردن مجالس تعزیه داری میشود آنرا جزء امور عام المنفعه می دانند یا نه

رئیس - بنا بر این شما مخالف با کفایت مذاکرات نیستید آقایان

فراقی - بنده مخالفتم روی این اصل است که استناداتی که قائل شده است عطف کرده بنده ۱۷ در آنجا یک موضوع بسیار مهم را فراموش کرده است چیزی و غیره و بیمارستان و کرد کستان ذکر کرده ولی مساجد را ذکر نکرده و این مساجد آقای وزیر دارائی اگر قبول بفرمائید مرضی ندارم (ارباب) مجالس عزاداری هم خواستم تذکر بکنم که با کمال تأسف مکتب هوامریبی و تکلیف دارد باز میشود جناب آقای رضائی که دوست بنده هستند هر روز یک تشنج جدیدی ایجاد میکنند و به نمایندگان توپین میکنند (سلطان امراد) بختیار - چوب زابلند کردند (رضائی) ماده ۸۷ ما نباید توپین بکنیم ولی اشخاص را باید معرفی بکنیم این مجلس جای آن است که افراد فاسد را معرفی کنیم (زنک رئیس)

آقای رضائی در داخل مجلس تشنج ایجاد کرده و تصور میکنم با ملوث کردن اشخاص ممکن است که مردم را مرعوب بشوند ولی بالاخر ایشان آمدند و نتوانستند مجلس را مرعوب کنند (رضائی) طبق ماده ۸۷ اظهار دارم

رئیس - آقایان نقابت مطالب شما

که مخالف با این پیشنهاد نبود خارج از موضوع صحبت کردید آن قسمت راجع به پیشنهادی که گفته بودم در مورد مساجد و تکاب و آب انبار در ماده ۱۷ قبول کردند رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانی که موافقت قیام بفرمائید (اکثر برخاستند) تصویب شد یک پیشنهادی است پیشنهادی آقای نقابت داده البته در شروع درمیشود پیشنهاد را مگر اینکه این پیش نهاد را در شروع اول هم داده باشند و آقای نقابت این پیشنهاد را در شروع اول هم داده اند و مربوط به همان قسمت وصیت تملیکی است پیشنهاد قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد میکنم بعد از وصیت کلمه تملیکی اضافه شود - نقابت
رئیس - آقای نقابت
نقابت - توضیح عرض کردم فلان فقط یک کلمه تملیکی اضافه بشود بروصیت
رئیس آقای فروزان
کتیبل وزارت دارائی (فروزان) همین تذکری را که جناب آقای نقابت دادند قبلام بنده فرمودند متأسفانه بنده نتوانستم موافقت بکنم با نظر ایشان چون ایشان البته با حسن نیت و قضایا را از یک طرف قضاوت می فرمایند ما بایستی فکری بکنیم که راه مقرر مالیات را بندهم (میراشرفی) راه مقرر مالیات را در بندهم یا نماند مالیات را) راه مقرر مالیات را گریز از مالیات را بندهم (میراشرفی) پس چرا آن کردن کلفتها را نمیگیرید؟ (حالا عرض میکنم حضورتان آقایان با کمال حسن نیت قوانینی را وضع میکنند ولی در عمل مامی بینم کسانی که میخواهند از این قانون سوء استفاده بکنند اینها طریقی پیدا میکنند که اصلاحی پیش نیشه و حتی بندهن آقایان خطور نمیکنند از جمله همین موضوع وصیت عهدی که میفرمائید تصدیق میفرمائید کسانی که بخواهند سوء استفاده بکنند چه راه سوء استفاده عظیمی است ولی یک چیزی هست و آن این است که آقایان راه سوء استفاده را برای هر دو طرف بوسیله محکم بستانند اداره دارائی با هر جائی که بوده باشد حق ندارد که مال مردم دست بگذارد و آن را توقیف کند مگر اینکه اظهارنامه طرفدارا بکشد و بآن اعتراض کند آن اعتراض را بکسی چون برود از آن کمیسیون هم به کمیسیون تجدید نظر برود تا بشود قضاوت کرد که آن مشمول مالیات میشود یا نه بنا بر این بنده نمی دانم که تکرائی آقایان از چه چیز است که میبایتم یک چیزی را که اولاً

<p>۱۷ سال یا ۱۸ سال این قانون باقی بوده است آقای نقابت لطف نمیکند و خودشان گوش نمیدهند آقای نقابت عرض میکنند اینکه الان اینجا قید شده چیز تازه ای نیست ۱۸ سال است که دارد عمل میشود مگر کسی شکایتی کرده که نسبت پایان موزد به مخصوص وزارت دارائی تعدی کرده عرض کردم که اصلا راه تعدی بسته شده است چون کمیونهای بدوی تجدید نظر بالاخره</p>	<p>تفاوت میکنند نه وراثتی استند ما میگویم که با همین شکل موافقت کنید نقابت - اجازه میفرمائید؟ رئیس - بفرمائید نقابت - در یکی از موادی که اصلاح شد جناب آقای کفیل وزارت دارائی موافقت کردند و انبیات مالی متوفی مستثنی باشد وصیت مهدی از واجبات مالی است چون با</p>	<p>توضیحی که دادند مقصود بنده حاصل است باین جهت بنده اشتغال نمیکند که وصیت مهدی هم از واجبات مالی و مستثنی است و پس میگیرم رئیس - زای گرفته میشود بنده در ماده ۱۸ آقایانیکه موافقت قیام بفرمایند اکثر برخاستند تصویب شد</p>	<p>تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه رئیس - جلسه را ختم میکنم آینده روز پنجشنبه و دستور اول سؤال بعد دنباله قانون مالیات برارث خود (مجلس مقارن ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی رضاح</p>
---	--	---	--